

هنر المحیوب

یازده سال تلاش و به بار نشستن

قرن بیست و یکم را قرن «دانی» و «آگاهی» و «تمرکز بر روی استعدادها» می‌دانند. حتی نظام‌های آموزشی پیشرفته معتقدند، در نظام آموزشی سنتی خود قادر نبوده‌اند افراد «خلاق» را رشد دهند. کاندایی‌ها قرن بعد را با همین جهت‌گیری آغاز خواهند کرد و دیگران نیز برنامه‌ریزی‌های مشابهی دارند. اینکه افزایش کیفیت دوره‌های آموزشی در سیستم آموزشی ما تا چه حد صورت گرفته است براحتی نمی‌توان اظهار نظر نمود ولی آنچه مسلم است - با ضرورت فراگیر بودن - نمی‌توان «ذخایر فکری» را معطل نگهداشت، که با شکوفا نمودن استعداد‌های بالقوه فرزندان ایران اسلامی ما با «دویدن» خواهیم توانست «عقب نگهداشته‌شدگی» خود را از قافله دانش بشری جبران کنیم و چون این «توان» را داریم چرا «تردید» داشته باشیم !!

○ ○ ○ ○

در سال ۷۴ پیشنهاد وزارت فرهنگ و آموزش عالی در ارتباط با «استعداد‌های درخشان در آموزش عالی» در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح و کلیات طرحی تحت عنوان: «طرح شکوفاسازی استعداد‌های درخشان» در مرداد ۷۵

به تصویب شورای عالی رسید. در تاریخ ۷۵/۹/۶ این طرح تحت عنوان: «شورای هدایت استعداد‌های درخشان در آموزش عالی» از تصویب نهایی شورای عالی گذشت. این شورا همانگونه که در شماره‌های قبل مجله به صورت مبسوط آمده است دارای ۱۳ عضو می‌باشد که ۴ نفر از آنها از اعضاء هیئت علمی دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی هستند که به پیشنهاد وزیر فرهنگ و آموزش عالی و تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی انتخاب می‌شوند این شورا کلیه وظایف مربوط به تصویب طرحها و آیین‌نامه‌ها و برنامه‌های آموزشی و تعیین ضوابط و معیارهای انتخاب مراکز اجرایی و نظارت بر کار این مراکز را برعهده دارد.

○ ○ ○ ○

از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بجز مورد شاگرد اولها و یکی دو مورد محدود دیگر در آموزش عالی کشور این ارزشمندترین تصمیم در مورد «استعداد‌های درخشان» ایران اسلامی است. حذف واحدهای درسی تکراری و توقف‌های بیجا در ورود به مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، عدم منع شتاب منطقی و تسریع تحصیلی ممکن و طبیعی، عدم ضرورت حضور بر سر کلاس برای آنها که می‌توانند با عدم حضور توانمندی خود را در آزمونی به اثبات برسانند؛ حضور در مجامع علمی داخلی و خارجی به صورت مدعو، داشتن ابزار کلی پژوهش و نکته آخر «بار ارزشی داشتن» این مسأله در اجتماع و اینکه این «تبعیض» نیست و گرفتن اضافات، بلکه این «حقی» است که «مکتوم» مانده بود. از نتایج ارزشمند این طرح است.

○ ○ ○ ○

قصیم ۷۴/۱۲/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی بازگشت به کاری دارد که دهسال قبل از آن تاریخ، مطالعاتش در ارتباط با آموزش عمومی کشور صورت گرفت، در سال ۱۳۶۵ مباحثات آن شروع شد و در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۶ براساس نامه‌ای که به نخست‌وزیر وقت نوشته شد هیئت امنا آن تصویب و اولین مراکز

«سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان» در کرمان و همدان در کنار دو مرکز تهران پا گرفتند. در خرداد سال ۱۳۶۷ با حمایت رهبر معظم انقلاب اسلامی و رئیس وقت شورای عالی انقلاب فرهنگی، جایگاه تثبیت شده‌ای این سازمان در آموزش عمومی کشور گرفت و اکنون ما با تشکیل «شورای هدایت استعداد‌های درخشان» در آموزش عالی کشور، این نهال ظریف را به «بار» نشست می‌یابیم هر چند اگر رابطه‌ای گسسته با آموزش عمومی کشور داشته باشد نمی‌تواند بهره‌گیری مطلوب را از همهٔ توانمندیها بنماید.

○ ○ ○ ○

توسعه منطقی مراکز آموزشی استعداد‌های درخشان در شهرهای پرتراکم کشور و تحت پوشش داشتن حداقل ۶۰ درصد واجدین شرط حضور در کنکور سازمان و عدم ممانعت از شرکت دیگر داوطلبینی که در محل اقامت آنها مرکز آموزشی نداریم، همینطور تحت پوشش قرار دادن شهرهای پیرامونی شهرهای بزرگ (شهریار برای «کرج»؛ خمینی شهر، شاهین شهر، شهرضا برای «اصفهان»؛ ورامین و قرچک برای «شهر ری»؛ فرخ شهر برای «شهرکرد»؛ اندیمشک برای «دزفول» و ...)، با ۸۳ مدرسه راهنمایی و ۷۳ دبیرستان بایش از ۳۰ هزار دانش آموز هشت‌هزار فارغ‌التحصیل و هزاران داوطلب ورود به مراکز آموزش عالی که در سال آینده از مرز چهار هزار نفر خواهدگذشت و دو سال دیگر بیش از ۵۰۰۰ داوطلب شرکت در آزمون سراسری دانشگاهها از این مراکز هستند، دیگر باید «باور کنیم که این نهال به بار نشسته است» و استدلالهای قبلی - که برخی از آنها نگرانی‌های بجایی بود که هنوز هم معنای خود را حفظ کرده است - دیگر برای «براندازی» این فکر نیست، بلکه برای ادامهٔ «بود» آن است که در این «بود»، «بود» ما ضروری نمی‌تواند باشد.

مدیر مسئول

○ ○ ○ ○